

می خواستیم زندگی لاکچری در جنوب شهر را تجربه کنیم؛

سرقت‌های سریالی ۵ زن هم‌باشگاهی



یاد حرف‌های هم بندی هایم در زندان افتادم و با او در مورد شاه کلید حرف زدم. می گفت می تواند به من یاد بدهد که چه دردی را با چه کلیدی باز کنم و من مشتاقانه از او خواستم این را به من یاد بدهد. شاید او فکرش را هم نمی کرد که من چه نقشه‌ای در سر داشته باشم!

وقتی حمیرا شاه کلید را به دست آورد و نحوه باز کردن درهای مختلف را یاد گرفت با دوستان باشگاهی‌اش در مورد نقشه تشکیل باند سرقت صحبت کرد؛ با ۳ دوستم که در باشگاه ورزشی با آنها صمیمی شده بودم صحبت کردم و گفتیم با این شاه کلید می توانیم مثل آب خوردن وارد خانه‌ها شویم و در عرض یک سال به همه رؤیاهایمان برسیم! آنها ابتدا کمی می ترسیدند اما بعد سوسه شدند که با من همکاری کنند. یکی از دوستانم با یک خانم میانسال دیگر هم در تاکسی آشنا شده بود که او هم وارد باند سرقت شد.

دزدی طلا از خانه ها

حمیرا و دوستانش باند سرقت را تشکیل دادند. یکی از آنها با معرفی خود به عنوان کارگر نظافتچی خانه‌های

مناسب دیدم. قبل از آن نقشه سرقت در سر نداشتیم. اما آن روز وقتی دیدم که طلاهای دوستم روی میز قرار دارد در یک لحظه برق طلاها انگار چشمم را کور کرده‌م به‌بختی هایم از جلوی چشمم رژه می‌رفت و با خودم فکر می‌کردم که این می‌تواند پایان گرفتاری‌های مالی‌ام باشد. برای همین تصمیم آنی خودم را گرفتم و به طلاها چنگ زدم و مشتکی طلا از روی میز توالت دوستم برداشتم و داخل کیفم ریختم. اما درست همان شب وقتی شوهر دوستم متوجه سرقت طلاها شد از من شکایت کرد من هم بعد از بازداشت اعتراف کردم و طلاها را به آنها پس دادم اما باید مدتی به زندان می‌رفتم.

حمیرا در ادامه گفت: «در زندان با سابقه‌داران زیادی هم صحبت شدم. هر کدام شیوه و ترفندهای زیادی برای دزدی داشتند و آنجا بود که دیگر ترس من از دزدی و زندان ریخت.»

شاه کلید پیدا کردم

مدتی بعد، حبس حمیرا تمام شد و او از زندان آزاد شد. با او از دزدی از زندان با مر دی دوست شدم که کلیدساز بود.

نظافت دارم می‌تواند کار را انجام دهد. متهمان با این شیوه خانه‌های خالی را شناسایی کرده، سپس با شاه کلید وارد خانه شده و اقدام به سرقت طلا می‌کردند.

با اطلاعات به دست آمده اعضای این باند تحت تعقیب قرار گرفته و بالاخره هر ۵ زن تبهکار، شناسایی و دستگیر شدند.

دسیسه چینی زنانه در باشگاه ورزشی

اعضای این باند سرقت ۵ خانم هستند که بین ۳۰ تا ۵۰ سال سن دارند. از میان آنها فقط یک نفرشان سابقه کیفری داشته و یک بار به اتهام سرقت چند ماهی به زندان افتاده بود.

این زن به نام حمیرا که سردمسته این باند است بعد از دستگیری در اعتراف به ۲۰ سرقت منزل گفت: «چندسال قبل بود که به خاطر بدهکاری تحت فشار شدید مالی بودم و نمی‌دانستم باید چه راهی برای فرار از محضه پیدا کنم تا اینکه یک روز به خانه یکی از دوستانم رفته بودم و در یک لحظه موقعیت را برای ربودن طلاهایش

گروه حوادث - ۵ زن هم‌باشگاهی باند سرقت از خانه‌ها تشکیل داده و طلاهای خانه‌های جنوب شهر تهران را هدف دستبرد قرار می‌دادند. مدتی قبل رسیدگی به شکایت‌های سریالی ساکنین جنوب شهر با موضوع سرقت طلا از منزلشان در دستور کار محمد ولد ی بیرانوند باز پرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۳۴ ویژه سرقت مسلحانه قرار گرفت.

سرقت‌های بانندی

بررسی‌ها نشان می‌داد سارقان از خانه این افراد فقط طلاهایشان را سرقت کرده بودند و حتی سکه‌های طلا را نمانده بودند که این شیوه نشان می‌داد همه سرقت‌ها توسط اعضای یک باند انجام شده بود.

ردپای یک زن با شاه کلید

تحقیقات بیشتر برای روشن شدن نحوه ورود اعضای باند به داخل خانه‌ها و شیوه و شگردهای آنها انجام و مشخص شد که در همه موارد زن جوانی در همان روز سرقت زنگ همسایه‌های خانه مالباخته را زده و خود را کارگر نظافتچی معرفی کرده و گفته بود اگر ساختمان نیاز به

جولان وحشت باند کوچولو هادر بزرگراه کرج!

مسافرانیدشانش

ترس و وحشت را هنوز هم می‌شود در وجودشان حس کرد. «یک بار که در یک جاده خلوت اسپر زور گیران قمه به دست بیغتی انگار مرگ را به چشم می‌بینی!

این جمله یکی از مالباختگان است. این افراد می‌خواستند در پایان ساعت کاری خودشان را از محل کارشان واقع در جاده مخصوص کرج به خانه شان برسانند. سوار خودروهایی عبوری شده و یکی بعد از دیگری طعمه زورگیران قرار گرفتند.

یکی از آنها می‌گوید: «وقتی سوار خودرو شدم متوجه شدم که این ماشین معمولی نیست و احتمال دادم که سر نشینان زورگیر هستند. به خاطر اینکه در خودرو از داخل باز نمی‌شد. وقتی خودرو کمی حرکت کرد، جوانی که کنارم روی صندلی عقب نشسته بود چاقو کشید و من هم از ترس جانم کارت بانکی و موبایلم را به او دادم. حدود ۲۰ میلیون تومان در کارت‌م بود که با آن خریدی از یک دستگاه پز انجام دادند.»

یکی دیگر از شاکیان می‌گوید: «در جاده مخصوص منتظر ماشین بودم. سوار خودرو عبوری شدم چون در آن نزدیکی خط اتوبوس یا تاکسی نبود. ماشین که کمی حرکت کرد، سر نشین صندلی عقب با کف دست محکم به سینه‌ام ضربه‌ای زد و سر نشین کنار راننده صندلی‌اش را عقب داد که باهای من دیگر حرکت نمی‌کرد. بعد با چاقو تهدیدم کرد و از من خواست کارت بانکی‌ام را به او بدهم. من به حدی ترسیده بودم که در آن لحظات به جز نجات جانم به چیزی فکر نمی‌کردم. سارقان خیلی بی‌رحمانه رفتار می‌کردند و هر لحظه فکر می‌کردم اصلا بعید نیست چاقو را در شکمم فرو کنند!»

شاکی دیگر هم کارمند یک کارخانه تولیدی است. او هم حدود ۷ میلیون تومان به همراه گوشی تلفن همراهش را تقدیم سارقان کرده تا جاننش در

گروه حوادث - ۳ سبک کرجولو در قهوه‌خانه نشسته بودند که دسیسه مخوفی کشیدند و با جولان وحشت در بزرگراه کرج دست به زورگیری‌های سریالی زدند.

سودای زندگی در تهران در سرشان پر شده بود گمان می‌کردند اگر به تهران بیایند به آرزوهایشان نزدیک تر می‌شوند و زندگی لاکچری انتظارشان را می‌کشد.

یک شب زمانی که در قهوه‌خانه رامین نشسته بودند، از رویاهایشان با هم حرف زدند و از همان شب عزم آنها برای اینکه به دل جاده بزنند و خودشان را به تهران برسانند جزم شد.

از همان لحظه دیگر آنها گروه دوستانه نبودند و تبدیل شدند به اعضای باند سرقت! باند مخوفی که هر چند سن و سالشان خیلی کم بود اما همان سرپر از سودایشان سبب می‌شد بی‌رحمانه وحشت خلق کنند!

وحشت باند کوچولو ها

سر هنگ کار آگاه علی فرخ نژاد رئیس اداره پنجم پلیس آگاهی تهران در توضیح این خبر به خیرنگار ما گفت: «مدتی قبل شکایت‌های سریالی شهروندان که از تهران به سمت کرج می‌آمدند با موضوع آدم ربایی و سرقت مفرور به آزار در دستور کار ماموران ما قرار گرفت. در جریان بررسی‌ها باند سارقان شناسایی و دستگیر شد و مشخص شد شیوه این افراد به این صورت بود که ابتدا به عنوان مسافر سوار خودرویی می‌شدند و سپس خودرو را با تهدید چاقو از راننده سرقت می‌کردند. سپس با خودرو سرقتی خود را مسافرکش جازده و اقدام به سوار کردن طعمه‌هایشان می‌کردند. سپس در میان راه با تهدید چاقو اموال و کارت بانکی این فرد را سرقت کرده و او را در جاده رها می‌کردند. این افراد تا کنون به بیش از ۲۰ سرقت اعتراف کرده‌اند اما احتمال شناسایی شاکیان بیشتر وجود دارد.»

قتل خونین پسر جوان با چاقوی طلایی جلوی طباشی

گروه حوادث - جوانی که پس از مصرف مشروبات الکلی دوستش را به‌صرف کله‌پاچه‌صبحگاهی دعوت کرده بود، او را با ضربات کارد طلایی رنگ به قتل رساند و متواری شد.

این حادثه هولناک باامداد ۳۱ خرداد در بولوار شهید قربانی مشهد هنگامی رخ داد که ۴ نفر سوار بر یک دستگاه پراید مقابل طباشی توقف کردند و سفارش سسیرایی دادند. در این میسان هنوز صرف صبحانه به پایان نرسیده بود که سجاد جوان ۲۸ ساله باب گلازیه از دوستش محمد رادر حضور دوست دختری باز کرد گفت: چرا به تماس هایم پاسخ ندادی! او مرادمتی مقابل منزل تان سرگردان کردی؟ سپس ادامه داد: نمی‌خواستی من به خانه‌ات بیایم؟! هنوز سخنان سجاد به پایان نرسیده بود که «محمد» (جوان ۲۹ ساله) گفت: اگر قصد نداشتیم تو را به منزل راه بدهم که اکنون غذایت رانمی‌خوردم و با این جمله «سجاد» چشم‌درچشم دوستش دوخت و گفت: اکنون مقابل دوست دخترت نمی‌خواهم چیزی بگویم.... در همین حال «محمد» سخن او را قطع کرد و گفت: بیا از طباشی بیرون برویم تا ببینم تو را چه فازی برداشته است!

هنگامی که دو جوان به بیرون از طباشی رفتند، دختر جوان رو به دایی محمد کرد که درون طباشی نشسته بود و به او گفت: شما هم بروید تا با یکدیگر دعوا نکنند ولی مرد میان سسال که راننده پراید بود با خون‌نرسی

گفت: نه! اتفاقی نمی‌افتد!

بنابراین گزارش، هنوز جزو بحث‌های دو جوان در بیرون از طباشی ادامه داشت که ناگهان «محمد» سبلی به صورت دوستش ناوخت و او نیز در یک لحظه کارد طلایی رنگ را از کمرش بیرون کشید و دوستش را هر دو نفر به دلیل مصرف مشروبات الکلی مست بودند، ضربات رابر سر و صورت و شانه محمد فرود آورد و او را نقش بر زمین کرد.

دقایقی بعد مجروح این حادثه به مرکز درمانی انتقال یافت و دایی محمد نیز با به فرار گذاشت اما با مرگ جوان ۲۹ ساله در مرکز درمانی، پرونده‌ای جنایی شکل گرفت و تحقیقات قضایی از سپیده‌دم ۳۱ خرداد توسط قاضی ویژه قتل عمد مشهد آغاز شد.

به دستور قاضی «محمد عارفی راد» دختر جوان که هنوز در محل وقوع حادثه بود، توسط نیروهای کلاتری سناباد مشهد دستگیر شد و به مقر انتظامی انتقال یافت. از سوی دیگر نیز قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، دستورهای ویژه‌ای را برای دستگیری مرتفع فراری صادر کرد اما «سجاد» به مکان نامعلومی گریخته بود. با اعترافات دختر جوان که مدعی است در ۱۰ و ۱۳ سالگی دو بار ازدواج کرده است، بررسی‌های تخصصی برای دستگیری متهم فراری توسط کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی ادامه دارد.

اصل قرارداد واگذاری زمین بصورت قطعی به شماره ۹۶/ق/۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۶ با شماره تفکیکی ۵۴۷ واقع در جزیره کیش ، شهرک میرمهنا ، فاز F3 با کاربری مسکونی، به مساحت ۳۴۲ متر مربع فی مابین شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش و سرکار خانم زهرا زیارتی نصر آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل پروانه ساختمانی مربوط به یک قطعه زمین به مساحت ۳۴۲ متر مربع به شماره تفکیکی ۵۴۷ واقع در جزیره کیش ، شهرک میرمهنا فاز F3 با کاربری مسکونی موضوع قرارداد شماره ۹۶/ق/۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۶ فی مابین شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش و خانم زهرا زیارتی نصر آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل قرارداد واگذاری زمین بصورت قطعی به شماره ۹۶/ق/۲۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۶ سبز ، جنب شهر باستانی حریره به مساحت تقریبی ۱۰۰۰ متر مربع فی مابین سازمان منطقه آزاد کیش و خانم لیدا حسن آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

اصل قرارداد واگذاری زمین بصورت قطعی به شماره ۹۶/ق/۴۰۷ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۹ واقع در محدوده درخت سبز ، جنب شهر باستانی حریره به مساحت ۳۵۰ مترمربع فی مابین سازمان منطقه آزاد کیش و خانم لیدا حسن آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

استخدام

یک شرکت معتبر جهت تکمیل کادر مالی واداری خود نیازمند یک نیروی حسابداری وهمچنین یک نفر نیرو در زمینه امور اداری ودفتری می‌باشد.

در صورت تمایل به آدرس ذیل مراجعه فرمایید.

خیابان سنایی جنب سازمان تامین اجتماعی برج اداری درسا پلاک B0135 طبقه سوم غربی واحد ۶

۰۷۶۴۴۴۳۳۵۲ - ۳

۰۹۳۴۷۶۹۸۱۷۳

به تعدادی کارگر ساده جهت کار پاره وقت بعنوان پیک موتوری نیازمندیم.

۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام منشی صبح ساکن کیش

یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵

استخدام نیروی خدماتی

یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.

صنایع چوب

حلاج کیش

کلید سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲